

سال اول شماره دوم مورخ ۲۲

وظایف نیروم در سال تحصیلی جدید

با آغاز سال تحصیلی در هر جامعه‌ای و یکی از فعالترین و پرچونترین حوزه‌های زندگی اجتماعی آثار بکار می‌کند. حوزه‌ای که در آن نسل جوان با انرژی بی‌کران به کوشش دست آورد های بشری در زمین شناخت مسائل و پیدا کردن های طبیعی و اجتماعی پرداخته و با تکیه خود در این فعالیت‌ها و بوی تازه ای هم به جامعه می‌دهند. آموزش بقیه در جامعه

شماره ۲
 (۱) اخبار جنبش
 شماره ۲۲

علی‌البتداً پیشروان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در جاده مبارزات خود هستند
علی‌البتداً پیشروان جنبش خودروهایی دشمن
 شماره ۱۱

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته کردستان

نیروهای ما برای رهایی خلق کرد!

مناسبات سرمایه داری در جامعه ایران به تدریج از خاصیت روستایی و از پاره‌شتری بافت و نحوه رشد سرمایه داری ایران بدلیل ویژگی آن یعنی وجود منابع نفت سرشار (جهت شکل گیری اقتصاد استخراجی) و سلطنت متمرکز مقتدر (جهت اقتصاد دولتی) و بدلیل نیازهای بازار جهانی سرمایه داری، بدین طریق بود که پیشروی این مناسبات در حوزه‌های مختلف و متناسب با خود موجب پستی شدن جامعه ایران و حاصلش بدترین نوع ناآمیزی و افتخار بیخیزان آن به اقتصاد تک محصولی نفت بود. تمامی رکن ارتجاعی و

بقیه در صفحه ۱

استقلال، آزادی، حکومت شورایی

برنامه تولید

تولید کنندگان مستقیم از وسایل تولید شده
چون میسرند و اما تولید سرمایه داری ظرفیت
حد پایین نیروی کار آزاد نمی را بداند
تولید کنندگان مستقیم از وسایل
تولید شده و با تطابق میان ظرفیت جذب
نیروی کار در تولید سرمایه داری جدا نیست
ند که حاصل آن افزایش اضافی جمعیت مستقیم
در شهر روستا بود

کاهش سرمایه داری و تولید کنندگان
کریک شهر را به روشکستی و خانه خرابی
و گشاده سرمایه داری شدن و از کس خود
را در شهر های کوچک نشان داده و آنجا
ا به بازار مصرف کالا های سرمایه داری
شدید میگردد و از آنجا که تولید کنندگان که
ظرفیت زمین کوچکشان کفاف تولید نمی خود و
خانوار شان را تمیذ اند و دچار خانه خرابی
شده و برای یافتن کار روانه شهر ها میشوند
سهم روستا را از درآمد ملی که تنها
وزن جمعیت روستا در کشیت به کل جمعیت

کشور است و نشان دهنده ضعیف تری آبادی
تولید کشاورزی و خانه خرابی و هتالان است
بحران سرمایه داری در تمام ایران
آن در ایران را پشت پرده کرده بحران
اقتصادی فاجعه روز بحران سیاسی در کل
جامعه شده بود انقلاب ۵۷ برای بیرون آمدن
چاپه و از زمین بحران بیرون برفت و اما با
در سر کار آمدن جمهوری اسلامی به بر اساس
ظرفیت تولیداتی خود به باز سازی مساجد
تولیدی پرداخت و فسیلات اساسی در ساختن
و تعمیر شده و در نتیجه نوارهای آن رونق
تپیده است

تمام تأسیسات نامیاد سرمایه داری و
نحوه رشد آن و هرگز نشان بهترین یکی از
مناطق عقب ماند و ایران مراقب خود را بر جای
قداشته است شهر های گردستان نماندند
صنایع بزرگ بوده و شیره عقب مانده تولید به
حیات خود ادامه داد و در ازای آن همه
بازار مصرف کالا های سرمایه داری تپید پس
از بدو است نحوه رشد سرمایه داری به
روشکستی و خانه خرابی تولید کنندگان کوچک
شهری منجر گشته است اما از طرف دیگر
بدلیل عدم وجود صنایع بزرگ و مراکز تولیدی
صنعتی و دولتی هیچ امکانش جذب نیروهای



فغان و بیکاری آشدار و پنهان دامنگیر یخس
قابل توجهی از نیروهای فعال شهرهای
کردستان گردیده است.

پرولتاریای صنعتی در کردستان از وزن
قابل توجهی برخوردار نیست اما گسترش
سرمایه داری یا به پای خود و شجره بوجود
آمدن کارگران کارخانه‌های و ساختمانی
که معمولاً بخش اعظم پرولتاریا در مناطقی از
این نواح را به خود اختصاص میدهند، گردیده
کارگران خدماتی هم در آن شهر داری و
نانوایی، سیم کشی و نقاشی و کارگران حمل و
نقل و غیره و کارگران ساختمانی و عملی و
کارگران کارخانه‌های و نظایر آن کسب کرده‌اند
از طبقه کارگر در شمار آنها را تشکیل میدهند.
که بدلیل عدم وجود بخشهای مولد در حد
کافی و گسترش بیکاری و از سنت‌ترین شرایط
میشستی برخوردارند. یخس‌های مختلف
توده‌های شهری و از کارگران و خود تولید
و توزیع کنندگان تا خرد و بزرگ‌تری جدید که
جذب ادارات دولتی و غیره شده‌اند و علاوه
بر استثمار یا ستمی که تحت تاثیر مناسبات
مسلط تولید بر آنها وارد می‌آید و بدنیسل
عقب ماندگی منطقه تحت فشار مناسبات قرار
دارند.

روستا‌های کردستان به عقب‌ماندگی
بخشهای قطب‌جامعه مان تعلق دارند و اهالی
آنها از نازلترین سطح زندگی در سراسر ایران
برخورد دارند. نحوه رشد سرمایه داری عروستا
عنا را نیز به بازار مسرب کالا‌های سرمایه‌داری
تبدیل کرده و تحت روابط مبادلاتی و ارزش
تولیدات کشاورزی را سر روز بیس‌زایش در
سطح پائین تری قرار میدهند. کوچک بودن
قطعه زمین روستا‌های یکی از علل پائین
بودن مولدیت کار در روستا‌های کردستان
است. گذشته از این زمین بدون وجود آب
مناسب و آبیاری از آبی چندانی برخوردار نبوده
لازمه آبرسانی به زمینها برخوردار از امکانات
فوق‌العاده است که تامین آن از عبده
دفعاتان فقیر و ته‌دست خارج است. علاوه
بر این بالا بودن مولدیت کار در کشاورزی
از یک طرف در گروه‌های تولید بیشترند و
ماتین آلات مدرن کشاورزی است و از طرف
دیگر نیازمند بدو کود مناسب و نظایر اینها
میراشد که این دو در فروشهای مالی است
دفعاتان کردستان نیز از مجموعه عوامل فوق
بی بهره بوده و در شرایطی که در زمینهای
کوچک و نامناسب با برخورداری از کمبود

کردستان صنعتی در ایران صنعتی، با قدرت شورانی ایجاد باید گردد!

برنامه ها

دائمی آب و با ابتدائی ترین وسائل تولید و با شیوه های عقبی و غیره به کشاورزی میرد از تک بازده تارشان دائما به سطح پائین تری سقوط میکند. مجموعه عوامل فوق خرد تولید کنندگان روستائی را یا شناب فوق العاده به ورشکستگی رسانه خردلی نشانده و آنها را به بازار فروش نیروی کار میمانند. بدین ترتیب بخشی از دهقانان خانه خراب مدت کوتاهی در سال به تار بر روی زمینهای دهقانان میانه حال و مرقد پرداخته و بقیه بصورت کارگران فصلی روانه شهرها میشوند. اما از طرف دیگر شهرهای کردستان قدرت جذب این نیروی کار را نداشته و این اضافه جمعیت نسبی و برای یافتن کار را روانه شهرهای سایر مناطق ایران میشوند. فروش نیروی کار در شرکتهای ساختمان و راه سازی و کوره پزخانه ما و یکی از عمده ترین وسایل تامین درآمد این بخش از روستائیان را تشکیل میدهد. بخشی از دهقانان فقیر فاقد زمین بوده و یا خانه و زمین خود را رها کرده و آواره شهرها میشوند. بخش دیگر که دارای زمین نیستند و پرولتاریای روستائی را تشکیل میدهند با کار بر روی زمین دیگران یا کار بصورت آراگر فصلی در شهرها و هنرنامه معاش خود را بدست میآورند. اما علاوه بر

اینها بخش قابل توجهی از دهقانان که کار بر روی قطعه زمین کوچکشان سهم ناچیزی از هزینه زندگی آنها را تامین میکند نیز برای بدست آوردن بقیه آن و چندین ماه از سال را روانه شهرها شده و بکار مشغول میشوند. این بخش از دهقانان که بصورت کارگر فصلی در شهرها و روستاها به فروش نیروی کار خود میرد از تک و نیمه پرولتاریای روستاها را تشکیل میدهند. پرولتاریا و نیمه پرولتاریای روستا و همچنین خرد تولید کنندگان میانه حال که در برابر خود زمینداران بزرگ قابل توجهی را نیز متاسفانه نمیکند و از سخت ترین شرایط معیشتی برخوردارند. راه توسعه اقتصادی کردستان چیست؟ در برخورد با معضلات اقتصادی اجتماعی کردستان در کلی ترین شکل آن و پیش از دو راه حل وجود ندارد. هر راه حل دیگری - ضرورتا در انطباق با ایندو بوده و در نهایت به یکی از آنها منتهی خواهد شد. راه حل اول صنعتی کردن ارتجایی بیروکراتیک و دوم صنعتی کردن انقلابی دموکراتیک کردستان است. اولی صنعتی کردن از بالا و بیفلس سرمایه داران و زمینداران و نه ضرورتا زمینداران بزرگ و دوم صنعتی کردن از پائین و بیفلس طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش روستا



دستمه جسمی کردن آن از طریق ایجاد تعاون
های داوطلبانه دقتانی است. بدون بالا
بردن تولید کار در تولید کشاورزی که در
گرو استفاده از ابزار و شیوه های پیشرفته
تولید است حل مشکل کشاورزی به امری واهی
تبدیل خواهد شد. دسته جمعی کردن
تولید کشاورزی از طریق تعاونیهای داوطلبانه
دقتانی بر اساس تکمیل نوبت، اصلی ترین
گروه بیرون آمدن کشاورزی کردن استان از بحران
ورشکستگی آن میباشد. برای جلوگیری از
تجزیه زمینها و ایجاد شرایط لازم برای ضرر
چه متحرک شدن آنها و کلیه زمینها باید ملی
گردند. ملی کردن زمین بدین معناست که
کسی حق خرید، فروش، اجاره، رهن و
واگذاری آن بدیگران را به هیچ شکلی
نخواهد داشت. با توجه به اینکه اکثریت
دهقانان کردن استان را دهقانان بی زمین یا
کم زمین تشکیل میدهند، شمار ملی کردن
زمین مورد پذیرش آنان بوده و با مقاومت
چندانی روبرو نخواهد شد. البته حق بهره
برداری از زمین برای کسانی که بر روی آن
کار میکنند محفوظ مانده و مادامیکه به کار
بر روی آن مشغول باشند، بازدهی زمین

وزحمتکشان شهری، توسعه کشاورزی بمثابه
محور برنامه اقتصاد بحق و پاسخگوی مصلحتات
اقتصادی اجتماعی نخواهد بود. توسعه
کشاورزی خود در گرو توسعه صنعتی بوده و
شر برنامه اقتصادی برای دستیابی بدان نیاز
مند یکی از راه حل فوق خواهد بود.
تبدیل شهرهای کردن استان به یک واحد
اقتصادی اجتماعی مولد، بالا بردن امکان
جذب نیروی فعال، یائین آوردن سطح بیکاری
و تبدیل آن از بازار مصرف به یک واحد مولد
در گرو صنعتی شدن آن است. صنعتی
کردن انقلابی دموکراتیک که بمعنی تحت
کنترل در آوردن تولید و توزیع و مصرف جامعه
توسط شهروندان کارگران و زحمتکشان است،
ایجاد امکان اشتغال برای نیروهای آزاد
شده و فعال در واحد هایی که تحت کنترل
کارگری قرار دارند از گسترش بیکاری و جذب
نیروهای فعال به مشاغل غیر منید جلوگیری
کرده، شیوه های پیشرفته تولید را جایگزین
اشکال عقب مانده نموده و از ورشکستگی و
خانه خرابی تولید کنندگان کوچک جلوگیری
میکند.

گروه اصلی کشاورزی کردن استان برای بیرون
آمدن از بحران ورشکستگی و متمرکز نمودن و

خورمختاری حق مسلم خلق کرد است!

برنامه ف. . .

تماما به آنها تعلق داشته و در این زمینه با هیچگونه محدودیتی روبرو نخواهند بود. برای تحقق چنین امری کلیه زمینهای زمینداران - بزرگ باید تقسیم شده و در اختیار کسانیکه بر روی آن کار میکنند قرار گیرد. تقسیم زمین زمینداران بزرگ و ملی نمودن زمین شرط ضروری برای سائلبه با بحران کشاورزی است اما بدون اینکه در خدمت دسته جمعی شدن تولید بر اساس تکلیف توزیع قرار گیرند، پیروسه و رشکستکی سایی مهاجرت از روستا به شهر و خانه خرابی دهقانان ادامه خواهند یافت. تناقض بنای دهفانی (تولید و مصرف و فروش) اولاً بهره دسی کار را بالا برده ثانیاً از اینکه دهقانان چه در خرید ما محتاج خود و چه در فروش محصولانشان متضرر شوند جلوگیری میکند. از شمارنیهای دهقانی، برای بالا بردن بهره دسی کاری به ابزار و رسانی پیشرفته تولید و شیوه بنای تولید پیشرفته و سیستم آبرسانی پیشرفته نیازمند است که بدون صنعتی شدن جامعه و دستیابی بدانها امری واقعی بوده و دسته جمعی شدن کشاورزی نیز به امری ناممکن و بیپایه تبدیل خواهد شد. بنابراین راه حل بیرون آمدن شهر روستا و راه حل بیرون آمدن شهر روستا از فقر و فلاکتی -

خانمان و . . . صنعتی شدن انقلابی دموکراتیک آنهاست که از طریق کنترل و تنظیم تولید و توزیع و مصرف جامعه توسط شهروای کارگران و زحمتکشان ممکن میگردد. صنعتی کردن انقلابی دموکراتیک در گرو چیست؟ اجرای هر برنامه ای در حوزه اقتصاد در گرو حاکمیتی است که بلحاظ سیاسی دارای ظرفیت طبقاتی مناسب با آن برنامه باشد. بدون تشکیل انقلابی کارگران و زحمتکشان و در اختیار قرار داشتن حاکمیت سیاسی توسط این تشکیلات، هرگونه برنامه انقلابی دموکراتیک در حوزه اقتصادی اجتنابی به امری ناممکن تبدیل خواهد شد و حاکمیت توده ما ضامن اجرای چنین برنامه ای خواهد بود. اما آیا حاکمیت توده به بدن توجه به ترکیب آن و نقشی که اقتدار و طبقات مختلف در این حاکمیت بازی میکنند میتواند اهداف انقلابی را تحقق بخشد؟ هر ترکیبی از اقتدار و طبقات، نتایج منطقی بیار خواهد آورد. در این بین نقش تعیین کننده را در بزرگ رعبیری سیاسی جامعه، طبقه ایکازیمزومنی در آن ترکیب برخوردار است بازی خواهد کرد. حاکمیتی که تحت رهبری اقنا و غیر پرولتری قرار داشته باشد، نه تنها قادر به اجرای برنامه انقلابی دموکراتیک نخواهد بود بلکه متناصب با طبقه بخوبی و از اهداف انقلابی فاصله گرفته



در واحد، مابقی که هویت طبقاتیشان را بر آن اساس میتوان توضیح داد، شکن گرفته، در - عالیترین ارگان حکومتی که کنگره شورای نمایندگان کارگران و زحمتکشان است جمع شده، حاکمیت سیاسی را در دست میگیرند. این شوراها در تمامی رده ها نقش تصمصم گیرنده دارند و همه مشورتی و شورائیناسبت که در روند مبارزه طبقاتی شکل گرفته اند.

ضمنی شدن باید توسط کنگره شورائینای نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا صورت گیرد. بدون تسلط و برنامه ریزی تو - این ارگان که طبیعتاً بر منابع کارگران و زحمتکشان استوار است، یعنی تسلط تولید، تریز و مصرف از زاویه طبقات معیش، حرکتی حرکتی در جهت ضمنی شدن، حرکتی ارتجاعی و نیم پنداست و همچون عمان رفیع ارضی شاه بوده، عوانی نظیر بنام را هم بوجود خواهد آورد.

در نتیجه ضمنی کردن کردستان توسط نوع حاکمیت مقدور خواهند بود. اول حکومت شورا می . دوم جمهوری پارلمانی . اولی متکثر بر شورای نمایندگان کارگران و زحمتکشان است. شهابی ممکن برای تحقق ضمنی کردن انقلابی دمرت کراتیذ از طریق تسلط انقلابی دموکراتیک تولید تریز و مصرف بفتح کارگران و زحمتکشان شهر و روستا میباشد و دومی در خدمت ضمنی کردن ارتجاعی دموکراتیک و ضرورتاً بفتح بیوزاری

آنها بطرف بیوزاری سمت خواهد داد. تنها بلوک سیاسی عدایت کننده جامعه ای که از - کارگران و زحمتکشان شهر و روستا تشکیل شده و عنصر مزهونیک آن طبقه کارگر باشد قادر - خواهد بود سیر تحولات اجتماعی را به سمت اعدان انقلاب هدایت کرده، برنامه انقلابی دموکراتیک را مرحله اجرا در آورد. تحقق چنین بلوکی در گرو اولاً متشکل شدن پرولتاریا در سازمان سیاسی خود و ثانیاً تشکیل جبهه متحد توده ای است.

گریه در عصر حاضر بدلیل وجود امکانات تاریخی برای هدایت به سوی ادیم که خود را در تجربه تاریخی پرولتاریا ضمنی میکند، وجود کمیت نیرومند پرولتاریا بعنوان جمعیت اساسی و حتی وجود سرکمیتی از پرولتاریا - شرط ضروری برای تحقق همزمونی پرولتاریا - نبوده، در اجوامی که بدلیل عقب ماندگی، فاقد پرولتاریا هستند نیز باید بحدک مسلح به مارکسیسم لنینیسم قادر به پیشبرد برنامه پرولتاریا خواهند بود، اما وجود کمیت مسترده ای از طبقه کارگر در کردستان، تکیه ناقابل توجهی برای تحقق همزمونی پرولتاریا میباشد. تنها شکل حکومتی که ضامن اجرای برنامه انقلابی دموکراتیک میباشد، حاکمیت شورای نمایندگان منتخب کارگران و زحمتکشان شهر و روستاست که بر مبنای متشکل طبقاتی کارگران در واحد بنای تولیدی خود و سایر زحمتکشان

نظایف و نظایف

و کسب دست آورد های علمی یعنی کشور کردن
 هر چه بیشتر کتابها و درجیه های آلمانی
 قرار آلمان - بهین دلیل است که نیروهای
 که رشد و ارتقا آلمانی انسانها بعنوان سدی
 در مقابل پیشرفت برابری آلمانی آنها در -
 آلمان میباشند میباشند که ما دخالت و مداخله
 در مسائل آموزشی رسمی آنها از دستور و
 چهره علمی خود نهی ساخته و فرائض را
 بخوبی تربیت نمایند که فاقد آن روشهای
 علمی زندگی نهند و در این با بهره گیری از
 سیستم آموزشی و فکری به صورتی متعصب
 و سرافرازه جایز نمی آید این نیروها
 در راه انانیت و رعیت و اعتناات بین حدود
 علم و روش علمی و در مورد تعداد بیشتر
 های متعدد در دستاورد های آموزشی رسمی و
 همیشه مدارس و دانشگاهها از یکسو بمقاومت
 در مقابل انواع برنامه های نیروهای ارتجاعی
 دست زده و از سوی دیگر محصولات درختانی
 بصورت روشنفکرانی که با تمام نیرو با ارتجاع
 میجنگد و در خدمت ترقی و پیشرفت جامعه
 خود قرار میگیرند را تحویل میدهند - از
 همینروست که در دوران انقلابی که بحران در

عالم عین است و نقش این کاسین آثار صد
 بند این میشود پیوسته مورد هجوم قرار گرفته و
 به تبذیر کشیده میشود - آنچه گناه مذکور در
 سال آخر تکویت سیاحتش با دانشگاهها کرد
 از این دست بود آنچه که جنین و زرم فانیست
 او امروزه با دانشگاهها و مدارس انجام میدهد
 علاوه بر زمینه و دلیل اساسی بالا که گنبد و
 دشمنی تاریخ او را با دستاوردهای علمی
 پس که بر باد دهنده تمام هويت و منابع
 زانی از این هويت ابد توانویزیه اوست را به
 سالی میگردد اما به همان دلیل که دکتر
 گردید مدارس بعنوان يك منکر مقاومت انقلابی
 بحساب آمد و عمل نیاید در هر لحظه -
 متخلف از حرکت اجتماعی و جنین توده ای این
 منکر که تمدنی در بافت زندگی اجتماعی دارد
 بر اساس ضروریات و مختصات جنبش نقش ویژه
 و وظیفه معینی خواهد داشت نقش کسه
 باید بدرستی شناخته شده و نیروهای انقلابی
 تبیل جوان با احساس مسؤلیت تمام این نقش
 و وظیفه را ایفاء کنند - ما معتقدیم که در تمام
 طول ۴ سال تحصیلی گذشته بعلم نداشتن
 درک روشن و سردرگمی نیروهای سیاسی و
 انرژی بیکران نسل جوان انقلابی در این سنتر

استبداد فاشیستی با قدرتی شورائی نابو و باید گروا

مقاومت به خویش و شایستگی بکار گرفته نشود و در زمان ایستار رژیم فاشیستی و نیروی سازمان یافته و مدافع جدی باقی نبود تا از آن بخریب دفاع نماید. بعد از قیام نسل جوان انقلابی که با شور و انرژی فراوان به صحنه سیاست کشیده شده بود به هواداری از نیروهای سیاسی برداشتن نیروهای سیاسی بجای سازمان دادن آنها به نحوی که تلفیق درستی از وظایف آنها و از یکطرف بعنوان فرد سیاسی با هویت آید نولو - ژیک مشخص و از سوی دیگر یک فرد اجتماعی با هویت ناری و اجتماعی معین و مابند و بتواند انرژی آنها را با حداکثر توان در رسانیدنش ای اجتماعی و در مقابل با رژیم بکار گیرند و آنها را تبدیل به زائده های خود در مدارس و دانشگاهها نمودند. زائده هایی که گاه تمام نیرو و پایه یک سازمان سیاسی بود و آن کمابان بعنوان زائده آن تلقی میشد و لذا به نفس آنجانی نیز دست نمیآید. چون این زوائد سیاسی در مدارس و دانشگاهها تابع خط منس سازمان مشخص خود بودند و خط منس های انحرافی که در صدد تبدیل شکلها و جنبش دموکراتیک به تشکلهای خاص و هواداری خود بودند و لذا باعث پاره پاره شدن نیروی نسل انقلابی که بر مبنای هویت و رکار اجتماعی زمینه مشترک داشته و میتوانستند فعالیت مشترک و دموکراتیکی را سازمان دهند گردیدند. این نتیجه بیش انحرافی نیروهای

سیاسی در برخورد با مبارزه دموکراتیک و نحوه پیشبرد آن بوده که نتیجتاً واسطه بین عوتسی طبقاتی فعالیت سیاسی این نیروها بود. در مورد سازمانهای چپ، این بحران نویسنده ضما خود را در مخدوش کردن مرزهای مبارز طبقاتی طبقه کارگر و سایر اقشار دموکراتیک جامعه این سازمانها به تماشا میباشند. اینها با نحوه انحرافی سازمان دادن هواداران خود در میان دانشجویان و دانش آموزان از یکسو و فعالیت و مبارزه در میان این لایه دموکراتیک را مطابق و مساوی فعالیت کارگری دانسته و - اغلب موارد بجای فعالیت و مبارزه در میان طبقه کارگر مینهادند. از سوی دیگر با تلاش در جهت تبدیل تشکلهای این لایه ها به تشکلهای هواداری خود (یعنی پایه سازمانی نیروی باعث فلج شدن و تلاشی این فعالیت و تشکل های دموکراتیک میکردند. از این سکناریم در نهایت هم چیزی ندادند و نصیب این سازمانها نگردید. علیرغم تمامی این ضمهها و کاستیها و بیابان علل ذکر شده در قبل مهتر ماه با آغاز سان تحصیلی در چهار سال گذشته همیشه مترادف یا کم شدن و کاهش نیروی سرکوب رژیم و فزونی ضمههای او بود. است. این نتیجه به بوکت مقاومت در سنگر مدارس توسط نسل انقلابی و محملین آنجا انجام پذیرفت است. برای این اساس و با بکارگیری تمامی درسهای

وظایف هیئتم

شدند و اکنون که سیر هزیت یابنی طبقاتی نمود بعنوان سازمان طبقه کارگر را بنیت سر گذارده ایم و چه وظایف و مسوولیتها یی را در مدارس و میان مجلسین و دانش آموزان میتندسیم ؟ بد نظر ما در مقدمات مشخص بحران - انقلابی جامده و در وضعیت مشخص کرد مثلا با درنگی حاکمیت دهکانه و تشکلهای صنفی دموکراتیک در مدارس باید داورای آنچنان نظرفیشی باشد که بتواند حد اکثر نیروی دانش آموزان را در جهت مقابله با برنامه های رژیم بسپار نماید و انکار انجام تعریف جهت بدست گرفتن ابتکار عمل و در شرایط بدی، زتن بدست اداره و کنترل امور را داشته باشد. چنین شکلی از تشکن چیزی جز "شوراهای محقی مدارس" نیست. روشن است که صرفا بعلت نیروی سرکوب رژیم است که این شوراها که زمینه عینی عمل بسیار دارند نمیتوانند بدورت عینی ایجاد شده و فعالیت نمایند. شوراها بعلت امکان بوجود آمدن و زمینه فعالیت آنها، که در این مقطع عمدتا بسج مقاومت در مقابل برنامه های رژیم است و باید بوجود بیایند و نیروهای هرچه بیشتری را سازمان داده و رهبری نمایند. باید تمامی امکانات و نیرو را در جهت

بوجود آوردن هسته اولیه شورا و بسط دادند ارتباط و فعالیت آن بکار گرفت. انواع ارتباط ها (از جمله رابطه بین هواداران نیروهای مختلف سیاسی و تشکلی گروههای ورزشی و انواع محافل و جمعها) را اکثر جهت زنده و فعال کردن هسته اولیه شورا و بسط ارتباطات و روابط آن به عدت گرفت. این شوراها در در سطح صمیمی و دانش آموزان شکل بگیرد و ارتباط پیدا نمایند. این شوراها اساسی شاهراپرزسیون مترقی را در ارتباط با خود قرار میدهند و از ورود و ارتباط نیروهای ارتجاعی بعلت اخلال رخصایت نفوذی داشتن آنها جلوگیری میکنند. این شوراها از همان زمان متکن گیری هسته اولیه خود میتوانند اجرای برنامه ها و پیشروی بسمت هدفهای خود را آغاز کنند و در جریان آن ارتباط خود را بسا تعداد هرچه بیشتری از نیروها برقرار کرده و گسترش دهند. همانطور که گفته شد از سایر تشکلهای و جمعها جهت برقراری ارتباط و حفظ آن استقبال میشود و پاره ای از این جمعها گاه در شرایط مسین میتوانند بعنوان کانال عینی فعالیت شورا عمل نمایند. وظایف این شوراها در شرایط کونی در مناطق اشغالی کردستان و شهرها عمودا بسج و سازماندهی مقاومت در مقابل برنامه های رژیم در مدارس



طوبین صدور اعلامیه و پخش اخبار اینگونه مقاومتها و انواع و اقسام راهها و طرق دیگر بیوزنتگی با خواستهای دموکراتیک عمومی را مستحکم مینماید.

در مناطقی آزاد که حاکمیت فاشیسم جمهوری اسلامی برقرار نیست نیز فعالیت آموزش در مدارس، مرجع بیشتر در سطوح ابتدائی، از سر گرفته میشود. در مدارس مناطق آزاد این مامورستانهای شورش هستند که از یک طرف بمنزله مامورستان و از سمت دیگر بمنزله یک ارتش شورش و نظام مهم و خطیری بصدف محکمیست. مهترین وظیفه آنها در جوار وظیفه اصلیشان یعنی تخریب بالاتر بودن کیفیت آموزشی دانش آموزان، که تحت موصلیاریگان، های شورش تسلیم میشوند، توجه کردن اساسی به موضوع بسیج و سازمان دادن مقاومت بود. ای در روستاهای مناطق آزاد شده میباشد. مامورستانهای شورش بمنزله عناصر آگاه روستاها با این امر را از عرصه مختلف میتوانند پیشی ببرند که شرط اصلی همه آنها ارتقاء آگاهی مردم روستاها و فشان کردن آنها در کارهای اجتماعی جهت اداره همه امور روستا (معنی بخشیدن به شوراها) از جمله رسیدگی به امور بهداشتی و درمانی روستا توسط شورایی ده و خودکفا کردن مدرسه و فعال شدن مردم بقیه در دلتجو ۲۲

ایجاد و حفظ ارتباط پشتیبانی از خواستهای دموکراتیک دیگر گروههای اجتماعی، زنده نگه داشتن شور و روح مبارزاتی در محیط، تقویت مستی مبارزات در مناطق انسانی با مبارزه مسلمانانه پیشمرکه میباشد. تمامی این وظایف معطوف به آن هدف اصلی شورا یعنی رسیدن به وضعیت در دست گرفتن کنترل و اداره محیط میباشد که این میسر نیست مگر در صورت توده ای فاشی اجرای برنامههای شورا شود و این نیز در مرحله عملی جز از طریق تخریب و ستمش مقاومت و ای در مقابل رژیم فاشیستی آنها و لاجرم سرانندن آن عینی نمیشود. از اینروست که وظایف صنفی دموکراتیک شوراهای در ارتباط تشکله با پشتیبانی از خواستها و اهدافی دموکراتیک، عری جنبش قرار بگیرد. هر کدام از ایس وظایف بر اساس موضوعات خاص خود و شیوهها و طرق متنوع و توانگونی بانجام میرسند. در مورد وظایف صنفی معالجه با برنامه رژیم تاکتیک عملی و رلیج در دوره اخیر، تاکتیک تحریم و اعتصاب و روشهای تبدیل یک برنامه رژیم به ضد آن بوده است. مانند راه پیمائی ۱۲ آبان گذشته در سترکه دانش آموزان با تبدیل شعارها به ضد رژیم برنامه را به ضد آن تبدیل دادند. حمایت عملی مانند شرکت در مقاومت سایر لایمهای اجتماعی و حمایتاز

حمله به بستون خودروهایی دشمن

سخت دریگرفته بود که یکساعت ونیم بطول انجام شد و در تمام طول درگیری ، دشمن فاشیت با انواع سلاحهای سنگین ، منطقه را پشت و میکوبید . شدت غراس دشمن مزدور بحدی بود که علاوه بر کوبیدن منطقه درگیری ، تمامی انظار منطقه را در زیر آتش سلاحهای سنگین حسود قرار داده بود که تا ساعتها پس از پایان درگیری نیز ادامه داشت ، حوثیجاته بد مردم منطقه آسیبی وارد نیابد .

در این درگیری تعدادی از نیروهای دشمن کشتو زخمی شدند که از تعداد دقیق تلفات آنها اطلاع دقیقی در دست نیست . در این عملیات بمورانته سیپلونه آسیبی به پیشمرگان وارد نیابد .

نا بود یاد رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی !
برقرار باد جمهوری دموکراتیک سوده ای !
پهلوز باد جنبش عادلانه خلق کسود !

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
کمیته کسودستان

۱۲/۶/۷۸

دوستان و رفقا :
نظرات خود را برای ما ارسال دارید

حلی رزنده گزند
پیشمرگان قهرمان و فدائوکار سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در روزه ۱۲/۶/۷۸ پس با یکساعتی "کاوان" و "کانی سبید" - واقع در محور مهاباد - سردشت از نخستین ساعات پاناد بد کین دشمن نشسته پس از استقرار نیروهای "تامین" جاده ، پیشمرگان در کین مابهای خود ، در انستوار عبور و مرور خودروهای دشمن پانی ماندند . در ساعت ۱۰ پاناد شدت دستگاه از خودروهای حامل نیروهای کشتی و جاده سازی که از پایکس "کاوان" به حرکت درآید ، بودند ، وارد کین پیشمرگان شدند . در همین هنگام خودروهای دشمن در زیر آتش رعد آسای پیشمرگان قرار گرفته و بمیزبان با آن نیروهای "تامین" جاده نیز زیر رگبارهای بی امان پیشمرگان قرار گرفتند . با آس اولین رگبارهای پیشمرگان بستون خودروهای دشمن از حرکت باز ایستاد . نیروهای دشمن مزدور که غراسان از خودروها خارج میشدند با آتش سلاحهای پیشمرگان مواجه شدند که تعدادی از آنها پخاک در غلتید و ته دای دیرکه سراسیمه پدنیال پافتن پناهگاه یا برقرار گداشته بودند نیز زیر رگبارهای بی امان قرار گرفتند . جنگی

نگاهی به بیانیه ...

دریده و حتی بد یکران نیستشان. دقتند و متد
انحرافی برخوردتان پار سازمان های سیاسی
و گروه های دیگر که تاشی از بینش انحرافی
این جریان است، برخورد نریست ما یا نشان
با اصول و ناتوانی شان در اتخاذ یک سیاست
ست عملی پویا و منطقی، تا آنجا که بسته
بر ضرورت شان با سازمان ما مربوط میشود -
فراهم برداخت

این بیانیه بر روی سازمان های سیاسی از
جنبه ما را که در برنامه شان تحت عنوان -
برایانات پروپاگاندیستی (و حتمت
برایانات بینایی) از آنها نام برد، بود را
روزی نیست دانسته، در صف ضد انقلاب -
قرارشان داده است. اما چه دلیلی برای این
بدعایتان ارائه داده اند؟ بیانیه بشیوه
عمیقو در هم آمیزن حاکمیت و مقلات مختلف
تا همجنس و شرح آنها به کمک جمله پردازی
بنا میگوید "چرخش در حال وقوع
جریان سچفخا - راه کارگر را میتوان بر
بنای بررسی و ترکیب و جمع بندی بیند نام
و شاخص اصلی تحلیل کرد" و بدین ترتیب
چهار عامل را ذکر کرده اند که دو تا آخر
یعنی رادیکال ناسی و بحران تشکیلاتی را
به دلیل، بلکه نمود و نتیجه چنین چرخشی

میتوان تلقی کرد. گرید در ارائه این نمود
و نتایج با خود نمای عوام فریبانه ای، مواضع
دیگران که در چهار جوبی متقابل با مواضع
شان قرار دارد را به خود نسبت داده
حتی به بیان دروغ نمایی نظیر انتساب شمام
بات به سازمان ما، موصول شده اند. ما در
اینجا قصد برخورد با چنین برخورد های -
نا سالم و غیر سیاسی را نداشته رید و دلیلی
که بر روزی نیست بودن ما آورده اند. میرداریم
دلیل اور بیانیه برای انتساب روزی نیستیم
بد ما، مواضع شان در قبالت ^{انتقاد} شوری وارد و گشاد
کشورینای سوسیالیستی و در واقع وجه خارجی
برنامه است. ترجمه این جریان تا کس میگوید
که مبنای برخورد ما با برنامه شان را صرفا -
موضعشان نسبت بد شوری وارد و گشاد
گند، کما اینکه اتحاد مبارزان در فحشنامه
جلو دار این بیانیه که در کارگر کونیت ۸
این کرده است میباید * برخلاف آنچه
راه کارگر در جزوه خود میگوید، این دقتنا
* وجه خارجی * برنامه حزب کونیت است
که راه کارگر را رنجانده و به حشم آورده -
است * (ابراز وجود بشیوه رانکارگر) و این
بیانیه صد رشتاد درجه نسبت به آن ادعا
چرخیده * وجه خارجی * برنامه ما را دلیل
روزی نیست بودن نام اعلام کرده است



انتقادی بر بیانیه . . .

وجه داخلی و خارجی مقرر برنامه ای بر اساس نفع و پایگاه طبقاتی نیروهای مستعد به آن تعیین شده و در رابطه ارگانیک با بد دیگر قرار داشته و از دیاکتیک واحدی - تهیت میکنند در شرایط کنونی و برنامه - پدیده تاریخی برای انقلاب دوم در اینک برنامه است - گیری سوسیالیستی است و چنین برنامه ای - استکس خود را چه در وجه درونی و چه در وجه بیرونی هر برنامه ای نشان خوانند داد اما آنچه در اینجا از همه مهتر میبندد این است که بین آید و وجه کدامیک تعیین کننده بوده و اعتقاد یا عدم اعتقاد به یک برنامه - انتقالی یا اساسا از روی کدامیک از این وجوه میتوان پیروز کشید در این بین وجه داخلی برنامه بعنوان وجوهی که بطور مشخص میخواستند راه بین فقر و ناکامی بین انسانها و راه را اینه دهد و نقش تعیین کننده داشته و نهی آن بمعنی نهی انقیاد تاریخی سوسیالیسم دیاکتیک است . آیا این بدان معنی است که برنامه ای که در وجه داخلی اش مست گیرد سوسیالیستی را هدف خود قرار داده است و میتواند در اتحاد استراتژیک با اردوگاه کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای راهپیش در پیوند با آن نموده یا با

نیروهای ارتجاعی پیوند استراتژیک داشته باشد ؟ مطمئنا چنین نیست و دشمنی با اردوگاه مبارزات پرولتاریای کشورهای سرمایه داری و جنبشهای رهاپیشش موجود نه تنها از کمونیست بلکه دموکراتیک نیز نبوده و کسانی که به چنین تخصصی روی آور میشوند ، در وجه درونی نیز نمیتوانند قادر به ارائه برنامه مستگیری نیستند بلکه فاقد هرگونه برنامه دموکراتیک نیز میباشند اما ازلا مادیات سرچرینی را اساسا از روی - وجه داخلی برنامه اش باید تعیین کرد و ثانیاً وجه خارجی مقرر برنامه ای ، تنها یک محور از آنها محور هر برنامه است که از این طریق درخواهد بر روی ضرورت توجه به متحدین پدیده تاریخی در مقیاس جهانی و تعیین جایگاه خود در صف بندی ها و جهانی تاکید کرد و نه چیزی بیس از این - با برخورد بشیوه سلطنتی یا چنین محوری و بدون برخورد با ضمنین مقرر برنامه ای ، حکم ستیبر در موردش صادر کردن ، تنها بیگانگی کامل خود را با مارکسیسم - لنینیسم نشان داده ایم . مثلا سازمان ما نه در گذشته و نه در حال حاضر هرگز به پیروان چپ که معتقد به تز " سوسیال امپریالیسم " - بوده اند ، ضد انقلابی نگشته است . نه باین دلیل که چنین اعتقادی را در عمل ضد انقلابی نمیدانیم و بلکه باین دلیل که تنها با این نظر



قصد داد کردن ما میکريد * اول ، گرايتس روز -
 ازین این ضيف به دفاع آشکار و سر - حنايه
 از نیروی و یا اردو به باصلاح سوساليم
 و تلاش در جهت تطهير این بلوک اميرالين
 و برد ، یوتی از بحران اقتصادی عمیق دا -
 خلو و سیاستهای ضد دموکراتیک و ضد کار -
 گری آن در سمنه جهانی است * (نقل از -
 بیانیه) .

دلین دزی که در بیانیه ، بر پرچم
 سرد نرستان آورده اند ، خصومت ما با
 * برنامه حزب کمونیست شان است . حال باید
 دید تلقی آنها از خصومت چیست ؟ مبارزه
 ایدئولوژیک یکی از اشکال مبارزه طبقاتی -
 است و در برنامه کمونیستها بافتاری بر روی
 این وسیله از امیدت خرد ساده ای برخوردار
 است . مبارزه ایدئولوژیک با جریانات انقلابی
 با جریانات انحرافی درون جنبش وحتی
 مبارزه ایدئولوژیک با ارتجاع از وظایف مستطیل
 ناپذیر کمونیستهاست . سازمان ما ، دواره بر
 روی این سازه تاکید داشته است و در -
 همین رابطه به نقد سوانس برنامه ای جریان
 فوقی پرداخته ایم . برداشت ما از مواضع این
 جریان انحرافی نمیتواند مانع برخورد فعال



نمیوان در باره ماسیت سیاسی و عطلک - سرد
 طبقاتی یک نیرو داری تزد . یک نیروی انقلابی
 هم حتی ممکن است در حوره تشریک نثری -
 داشته باشد که تماماً ضد انقلابی باشد .
 تناقض در بین محورهای مختلف نظریه و عملی
 این نیرو دیگر تناقض در واقعیت است و نس -
 توان برای دردیتر تناقض نشدن ، آنرا نادیده
 گرفت ، ما با دنیای ظهارت و نجاست مدھی
 رفیرو نیستیم . ما چنین نسرانی را میکوییم و
 بیرحمانه هم میکوییم ، اما هرگز خود نسبت به
 یک نیروی سیاسی را صرفاً نه از روی این نظرات
 بلکه از روی مضمون برنامه آن که اساسا در -
 وجه داخلی برنامه آن مسکس میشود همین
 کرده و با نهرات دیگر آن نیرو مخصوصاً عطلکرد
 آن در مبارزه سیاسی ، تنها به اعتبار وجه
 خارجی اش برخورد نکرده و نخواهیم کرد .
 آنگونه که این بیانیه قضاوت خود نسبت
 به ما را بر مبنای وجه خارجی برنامه مان استوار
 کرده است از یک طرف ناتوانی خود را در -
 برخورد با مضمون برنامه مان به ناسیج داشته
 و از طرف دیگر با وجه خارجی برنامه خود ه
 همچون اعتقاد به بکارت حضرت مهم برای -
 یک مسیحی ، برخورد نموده و از اینروست -
 که در صدر دلایل خود مبنی بر رویزینوست

مرگ پر امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا

پاسخ داده ایم (منظور زمانبست که هنوز برنامه خود را ارائه نداده بودند که به انتقادات مربوط بدان پاسخ داده باشند (۲)) .

گویی وظیفه مبارزه ایدئولوژیک همچون فرائض دینی است که آنها در گذشته آنها بجا آورده اند و دیگر مسولیتی در قبال آن احساس نمی کنند . و گویی علت حضور کونیستان در عرصه سیاست و تنها اینست که سیرا اشکال مبارزه طبقاتی و شاید حوزه ناسی از مبارزه ایدئولوژیک را هنوز انجام نداده اند ، و گرنه بسه توده ها اعلام میکردند که من آنچه شرط بلاغ است با تو فته ام - تو خواه از سخن بفسد گیر و خواه ملان ، و آنگاه کز کوه دکانشان را یائین میکشیدند و مخرج میشدند . در مقابل با سطحی گری مغرورانه ای مدعیند که ، ما از کمونیسم و سوسیالیسم ، از ضرورت نمبستگی جهانی طبقه کارگر ، از ۰۰۰ سخن میگوئیم ، و آنگاه راه کارگر مدعی میشود که برنامه ما تفاوتی با برنامه شورای ملی مقاومت و حتی جمهوری اسلامی ندارد (مراجعه کنید به - اظهار وجود ۰۰۰) . گویی حزبی توده و حزب رنجبران و انواع و اقسام مشابهاشان از چیزی جز اینها سخن میگویند و گویی قضاوت در مورد جریانها را بر ادعایشان باید استوار کرد . جالب اینجاست که درست چند هفته

انتقادی به بیانیه . . .

مان با آنرا نشان برنامه اش در میان توده ها نرود . بلکه برعکس عرجه انحرافات این جریانها برجسته تر باشد ، به نسبت نقش و تاثیرات - مخربش در درون جنبش ، مبارزه ایدئولوژیک با آن ضروری تر خواهد بود . اهمیت برخورد با مواضع برنامه ای این جریان انحرافی ناشی از حضور فعال اتحاد مبارزان در سطح جنبش نیست چرا که حاصل فعالیت چند ساله اش جزئی چند آقایان مطالعه نبوده (فرجه - برخورد با گرایش آقایان مطالعه که شکلی از لیبرالیسم بعنوان یکی از انحرافات موجود در جنبش از اهمیت خاص خود برخوردار است) ، بلکه بلحاظ نقضی است که کومه له بعنوان - یک جریان محلی در جنبش خلق کرد بازی میکند .

اما بیینیم این جریان چگونه عمل میکند . آنها به انتقاداتی که به برنامه شان شده است هیچگونه پاسخی نداده و در عوم در برابر هرگونه سخالتی با برنامه خود ، تحت این عنوان که خصومت با آن است به برخورد - نمای عصبی متوس میشوند . اگرید نبال دلائل شان در لای نوشتن مایشان بگردیم ، تنها بطاعری پاسخی که دریافت خوانیم کرد این است که ما ۲-۳ سال پیش به این مسائل

بعد میگویند "اما بنا بر شناخت خود از ماهیت روزبویسیم و روزبویستها و بر مبنای تجربه انقلابی ایران و بخوبی چند انداختن رسا - کارانه جریانات ایورتونیسیت و روزبویست به احکام و شمارهای مارکسیسم پیروزه در آستانه چرخشهای اساسی بر راست را و میشناسیم . . . امروزه با وجود توده های روسیمی که از فلاکت و بی حقوقی سیاسی بمتوجه آمده اند کسی نمیتواند داعیه دموکرات بودن داشته باشد - بی آنکه آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی حق بلل تحت ستم در تعیین سرنوشت خویش، جدایی مذموب از دولت و دموکراسی شورایی و مطالباتی نظیر آن را که به جامعترین شکل در برنامه حزب کمونیست بیان شده است و بدین " (نقل از بیانیه) آیا اینها معنی کلماتی که بکار میروند نمیدانند ؟ اگر چنین است آیا این تنها دلایل چنین تناقضهای آشکار است . بنظر ما دلیل اصلی توسل به استدلالات بی پایه ای نظیر آنچه در کارگر - کمونیست ۸ مشاهده کردیم چیزی جز این نیست که از یاسخوئوس به سوالات و انتقادات اساسی که به برنامه شان میشود و طفره بروند و با طرح خصومت دیگران با خود و بی اعتقادیشان به مبارزه آید، لولوزیک و فرار از یاسخوئوس به انتقادات مشخص به برنامه شان را یرد بیوشی کنند .

اما اگر منظور از خصومت و فحاشی و بد و بیراه گفتن به مخالفین است که مدافعین برنامه مزبور در این زمینه کوی سبقت را از همه ربوده اند . بر خورد فرقه ای و شریعت - مآبانه این جریان با آید لولوزی و برنامه و بخصوص وجه خارجی آن کار نشان را بدانجمل رسانده است که تا کسین نتوانسته اند به یر - خورد جدی سیاسی آید لولوزیک با مخالفین برنامه خود بپردازند . اما در فحاشی و یر - خورد عصیی در برابر آنان سنگ تمام گذاشته اند . یکبار نشریات آنها را ورق بزیند . جز تکرار ملالت بار مطالب مکرر و تعریف و تمجید و خود ستایی و اندر فوائد برنامه خود سخن دادن و به تنها چیزی که بر خورد خواهید کرد و فحاشی نسبت بد یگران است . حداقل تا آنجا که بما مربوط میشود و اعتقاد خود در رابطه با آنها را هیچگاه در قالب کلماتی چون وفیق و ابله و شارلاتان و بیشرع . . . نریخته ایم که بتوان بدان فحاشی نام نهاد . اما در مقابل برای نمونه میتوانید به عثمان فحش نامه گذاری (اعطبار وجود ۰۰۰) -

مراجعه کنید .

ضرورت مبارزه آید لولوزیک امریت که دیگر عقب مانده ترین و ارتجاعی ترین جریان -

نات سیاسی نیز جسارت نفی آنها بخود



تکلیف به بیانیه

نشدند. تاکید بر این صورت بخصوص در
حرف جریانی که خود را مدافع شاه زحمت
کشان و مبارزه علیه نظام طبقاتی و جامعه
سربایه داره مینامند، بشکن برجسته‌تری -
حرف‌هایی میدهند. اما همانگونه که ارتجاع به
پهانه مبارزه‌اید؛ رولوتیه با مخالفین خود به
انواع، تنگی، افترا، تحاسن و انواع تحریکات
ردیانه دست میزند و بدین ترتیب دناست -
خود را نشان میدهند، جریاناتی که در ظاهر
لباس مبارزه بر علیه جامعه طبقاتی و پشاه
آنها بنی کرده اند، اما در واقع تلاششان -
حاصلی جز آراستن ستم طبقاتی با پیروپیهایی
رسمیتی و ارائه آن به توده ما نداشته و
و از این طریق سواى نیاتى که آنها ترا با این
سرمیکند، میکوشند تا از انحاء تناسب
سولید بروزوای جلوتیری کرده یا حداقل
نابودی مدتوس را چند صباحی به تاخیر
اندازند، برای پاسخگویی باین صورت، به
هسان شیوه‌هایی که شایسته نیروهای ارتجا
عی ا متوس میشوند، چندی پیش اتحاد
مبارزان کمونیست در فحش‌نامه کدائی فوق
به چنین شیوه‌ای متوس شده است. پس از
چنین برخورد سهای اشراف‌مشرانه مبتذل،

تنها از اتحاد مبارزان برمیآید که دیگران
را به نحاسی و . . . متهم کند .

اما اگر به وجه دیگر ادعایشان مبنی بر
"عدیته" و "خصومت" ما با آنها یا در واقع
وجود دره زرف بینان که فرود آن دوری و
نزدیکی این دو یا رولوتاریاست بپردازیم،
شکن نیست که وجود چنین دره‌ای بین
نیروی کمونیست با کسی که اعتقادی به شافع
تاریخی رولوتاریا ندارد، اجتناب‌ناپذیر است
اما حقانیت و اعتقاد به سرسیالیسم را صرفاً
از روی تکرار این ادعا و هرچه بزرگ‌نویس
آن نمیتوان به اثبات رساند. ضمن برنامه
عبر جریانی و پاسخ مشخص که به انتقادات
دیگران خواهد داد، تعیین کننده حقانیت
آن میتواند باشد، گرچه پراتیا، داورینهای
را در این باره خواهد کرد. اما این جریان
پس از مدتی سکوت در برابر سوالات و انتقا
دات جریانات دیگر، وقتی لب به سخن گشود
بر خلاف ادعاهای مکرر آنها به وجه خارجی
برنامه دیگران حمله ور شد.

ما از اینها می‌رسیم، مگر این برنامه
نمیخواهد به نفی عملی سلطه امپریالیسم
پردازد؟ آیا جز از طریق اخلال در تولید
چنین مدعی را دنبال خواهد کرد؟ ما



میگوئیم حکومت پروتاریائی یا صنعتی کردن -
 انقلابی دموکراتیک جامعه از طریق کثرت تولید
 و توزیع و ملی کردن زمین و ۰۰۰ تضمین کننده
 ستگیری سوسیالیستی است. اگر زبان برای
 بیان منظور است و نه برای مخفی کردن آن و
 به هواداران نشان و به کارگران و زحمتکشسان
 باید توضیح بدهند که تنها راه ستگیری -
 سوسیالیستی و بدست گرفتن حاکمیت سیاسی
 و بدست آوردن اصلاحات جزئی و اخلاقی در
 تولید جامعه است. اگر اینها که خود را -
 کمونیست می‌نامند و باز هم از یاسع شخص
 دادن به این سوالات طغریه بزنند و بر سر
 تشکیلات خود باید بنویسند "کمونیستها به
 مردم دروغ میگویند و آنها عار دارند مقاصد و
 نوریات خود را آشکار سازند".
 اما چون از بیان مقاصد خود هراس -
 دارند و منتهای تلاش خود را بخرج میدهند
 که مقاصد خود را در پوشش بیانشان مخفی
 کنند از اینرو نه در برنامه و نه در جای
 دیگر به مردم توضیح نمیدهند که میخواهند
 آنها را به انقلاب سیاسی محدود کنند و -
 نمیکنند که باید انقلاب کرد و قدرت سیاسی
 را بدست گرفت تا بکند آن به تخریب اوضاع
 اقتصادی جامعه پرداخت. صنعتی کردن
 انقلابی دموکراتیک جامعه بمعنی روزبیزنیسم
 است و پس باید توضیح داده شود که چرا

تخریب تولید و صنعت جامعه تنها شیوه -
 انقلابی دموکراتیک است؟ مطمئنا اقتضای غیر
 پرولتاری خواهان سوسیالیسم نیستند و برنامه
 حد اکثر پرولتاریا چیزی نیست که آنها را در
 انقلاب دموکراتیک و حول پرولتاریا جمع کند
 پس برنامه حداقل آنها و توده ها را به دور
 خود گرد خواهند آورد اما برنامه حداقلی که
 تنها به املاحانی در چهار چوب نظام موجود
 اکتفا خواهد کرد. اگر اصلاحات جزئی در چهار
 چوب نظام و تامین کننده منافع آبی اقتضای
 غیر پرولتاری باشد و بیرون این برنامه را -
 بیه بزنند و بدور برنامه شورای ملی مقاومت و
 بازارگان و ۰۰۰ جمع نشوند. اما وقتی تدوین
 کنندگان برنامه در برابر مسائلی
 که پاسخگویی بدانها مقاصدشان را آشکار
 میکند و آرامش رومای تیکدان بهم خورده و فحش
 میدهند و طرف مقابل را "برفرز برتگاه می
 بزند" و "استحانه بوجود میآورند" و
 "روزبیزنیست میسازند" و بیروغش در حساب
 شکل گیری بوجود میآورند و ۰۰۰ چرا
 این بهترین شیوه رد کم کردن و پاشیدن خاک
 در چشم دیناران است تا قادر به مشاهده
 ماهیت برنامه شان نشوند.

ما میگوئیم تنها راه ستگیری سوسیالیستی
 حل فقر و فلاکت و بی خانمانی و ۰۰۰ جامعه



نکته بیانیه . . .

ممنوع کردن انقلابی دموکراتیک، آن است که تحت کنترل کارگران و زحمتکشان مقدور بوده و تحت این حاکمیت شورش ایگانیته بر میگردد و چون برنامه شما اخلاص در تولید جامع را مدد خود قرار داده است، قادر به پاسخ گویی به فقر و نلاکت و . . . جامه نموده و "بستی نان دیز بعنوان تزئینات نظریاتتان کارکرد شما داشت. در عروس آنها دلیلی برای اثبات ضرورت اخلاص در تولید ارائه نمیدهند و سعی در برائتشان کرد است که چون ممنوع کردن انقلابی دموکراتیک در مقابل اخلاص در تولید قرار داده اندگان باید ریزد ببرد که آنست که راه حل اول را پیشنهاد کرده و برای حقیقت میگردند و باند سیاسی فرد است.

ضرورت اخلاص در تولید از حقایق است "برنامه" ناشی شده و حقایق "برنامه" ناشی از ضرورت اخلاص در تولید سرمایه داری است. این دور باطلی است که بوسیله آن نه میتوان به حتمیت برنامه دست یافت و نه به ضرورت اخلاص در تولید. کلید این دور باطل را باید در خارج از جهان مادی بیاد در فضایی بین سیارات جستجو کرد.

یکی دیگر از مواردی که دلیل بیخسورد

خضمانه ما عنوان شده است و توضیح مان در باره متحدین جهانی این برنامه است و مگر نه این است که شما اردوگا اکتیویتهای سوسیالیستی و نظام جنبشهای در پیچید با آنرا ارتجاعی میدانید. مگر نه اینست که امپریالیسم جهانی و نظام وابستگیهای ارتجاعی و مگر به این است که در سطح جهانی بویز جریانات ارتجاعی نظیر پاناسلاسیسم و غیره جنبشی گند خند، به ترس شرفی و غیره ایانده امپریالیسم سرخ و نژاد امپریالیسم شیام یا غراسر که شما روزی میدانید ^{باید} وجود ندارد و پس بهشراست جنبشها از جریاناتی که مدد - چهارم شما بزرگ و پاناسلاسیسم انترناسیونال نریختن را برپا خوانند ترفه نام بیرون.

در اینجا مگر داشتن متحدین جهانی در برنامهتان امری تصادفی نیست و از اینروست که در آخرین تلاشهایتان برای یافتن متحدین جهانی خود، که بتوان با آنها انترناسیونالیسم نوین را برپا کرده اسوز برنامه ای خود را نیز زیر پا گذاشته به تمدادی - حداقل روشنفکری چند نفره که انترناسیونالیسم نالهای رینارین هستند متوسل شده اید.

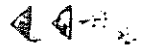
(رسمی کنید به صاحب فرهاد بنارت کارگر کمونیست)

واقعیتهای زندگی در سطح کونی جهان



بروتس و صراحت جاپناه واقعی تمام آن نیز
 سایر که با جنبش جهانی کریستی خدمت
 وزیده و دستاورد ما و پیرویهای بزرگ طبقه
 کارگر (که اردوگاه کشورهای سوسیالیستی در دست
 راس آن قرار دارد) مدد نبرد با امپریالیسم
 جهانی را نمی و انکار نموده و نتیجه رژیم پرش
 شور طبقه کارگر در حال امپریالیسم در طول
 یک یک به یک فن را تماما شکست و ناکامی
 ارزیابی کرده اند را ایشان داده است .
 بد انسان این برنامه که حتی در برنامه
 خود نیز نتوان از ارائه وجه بین المللی یعنی
 تعیین صلاواتی برای جهانی بوده و متعدد
 بین جهانی خود را در بنانه ای از ابهام
 باقی گذاشته اند ، سوالات مشخصی را با
 خصوصیات خود نمایند و مشکلی نیز که در
 این زمینه میخواستند به عرصه اصلی نزدیک
 شوند ، پاسخ مشخص را در وزیده ، به کرد
 و حال کردن در این زمینه میرد از بند مثلا
 اتحاد بیارزان در اظهار وجود ۰۰۰۰
 بدعی شده است که ما میخواستیم نماینده
 ایدئولوژیک طبقه کارگر را از صفوف جنبش
 کریستی طرد کنیم ؟ ! وقتی ما از احزاب
 فات درون جنبش کریستی جهانی صحبت
 کرده و لزوم مبارزه ایدئولوژیک با آن در
 جهت افشاء و طرد اخراج بمخرب (یعنی
 روز کریستی) را مطرح میمانیم ، در حالیکه

اردوگاه کشورهای سوسیالیستی را نمایند
 ایدئولوژیک جنبش جهانی کریستی میدانیم
 تنها برای آنانیکه کمترین آشنایی با راس مارکس
 نداشته اند یا ریتی در گفتن دارند تا سب
 وجود میاید ! روشن است که ما احزاب موجود
 در کشورهای اردوگاه سوسیالیستی را کریستی
 میدانیم ، نه روز کریستی و منظور از طرد اسرار
 سحر و احزاب روز کریستی نیست هر چند
 است در احزاب کریستی نسیر شور و رشاد
 را با ما نویسنده که خود این احزاب را
 روز کریستی میدانند ، درک خود را بد ما
 سپ داده ، سپس از آن انتقاد میکند ، ثوبا
 در این شاقس را یافته است که میخواستیم
 نماینده ایدئولوژیک جنبش کریستی حتما
 را از درون آن طرد و افشاء نماییم .
 ناصحانه با پرولتاریا و دوری و نزدیک
 تان با آنرا پاسخ به سوالات فرو روشنتس
 خواهد کرد و اگر نخواهید چون گذشته به
 کس گویی ، فعالتی ، رد کم کردن وحدت
 اعلام سواص پیدا زید ، ناگزیرید که به سوالات
 مسائل مطرح شده متفق که در نقد برنامه
 باصطلاح حزب کمونیستتان بروشنی مطرح
 شده است ، با صراحت جواب بدهید .
 در آخر یادآوری یک نکته را لازم میدانیم
 برنامه ایکه به منزله طلای سریت ما پانزده
 ایدئولوژیک در نخلتد ، در سیاست غلطی از



انتخاب

یشتیانی جدی سیز قرار نگرفته اند. سازمان دادن خانواده زندانیان و شهدا از کانهالهای ضاسب سازمانگری مقاومت در برابر رژیم است. این وظیفه ایست که کلمه نیروها و عناصر انقلاب باید آنها را تلان بیگیر بدین کشند. این ضدغیا بملت عدم توجه نیروهای سیاسی جنبش بضقتن و انصیت سازمان دادن مقاومت توده ای در شهر سا میاشد. مقاومت در شهرها اگر سازمان یابند ه میترانند بعنوان یکای اصلی جنبش در حفظ موقعتیت، ااکمیت و گانه ندر، موثر خود را ایفاء نماید. بگوئیم تا با سازمان دادن هادامیت نوزحمتگذار در تبرعای کردستان از تضرص - رژیم جلو گرفته و در تحکیم هر چه بیت تر موقعتیت انقلابی بوجود ویشمید آن نقش خود را بسد شایستگی ایفاء نایم.

برخورد های خام و زحمت گریخته، از تحرك سیاه سی بر آوردار بده و برخوردی زند و مصطفویه. عین در سیاست خواهد داشت. کمونیستها همواره در اصول سرسخت اما در تاکتیک ضابطند. اما سنا که با پریشانی تمدستان از سرگشته مسا. لنتو سنا... خود با انتظاف در اصول را - بلی میگذرد و در تاکتیک سرسخت و غیر ضابطند. در و حریان و اثرها در سیاسی مضایع یک پروسیستی آیت هم انداز ستاری در هیچ زمینه ندانسته. در با یکدیگر ندر آمد. در شحه خط و نشان کشیدن و تهدید کردن از این نوع به با دینهای با اصطلاح یاروز نسکی، ایفای ولسر در حرا هم حلیه و بیاندر سیاست کریزی رباترانی. در اتحاد یک سیاست عملی است. (۳)

وظایف هریم

در سواد آموزی و غیره میباشند. باین ترتیبیا ارتقاء آگاهی و عدال شدن آنان زمینه برای بسیج در مقابل رژیم مهیاتر میشود. سواداران سازمان ما وضعیه دارند که ه. انرژی و نیروی خود را در مدارس جهت بیس بودن خط تنمک صنفی دموکراتیک بصورت شوراهای مخفی، مدارس بکار گرفته و در راه - شکل گیری و پیشبرد شوراها متمرکز گردنند. البته این بمعنی نفی و رد کردن فعالیست شخص سیاستشان نیست که توسط سازمان در

با گه کرامی عالی خود را را یاری رسانید

ایمورد سازماندهی و هدایت خواهند شه ما از تمامی نسل انقلابی در مدارس و مصلطان آگاه میخواهیم که با در پیش گرفتن این مشی و ایجاد شوراها که تشکل صنفی دموکراتیک آنهاست به تقویت و تحکیم مقاومت در مقابل رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی یاری رسانند

اقتضای وقت و مقابله با...

درک درستی از رابطه و توازن بین این حرکات
توده ای و تشریفات ضد انقلاب حاکم نیست
نیس آید. خصوصیات و جملتهای اساسی این
حرکات کدامند؟ اول، این حرکات عموماً بر
مبنی و مبسوط خواستههای اقتصادی و منفی
کارگران در کارخانهها و کارگران و زحمتکشان
در محلات مختلف شکل گرفته اند و رکن اعتراضی
اسریه متحماً بهت نفس بری و کجود آب -
عسرت گرفت. دوم، این حرکات عمراً در قبای
تعرض رژیم نازیستی به منابع اقتصادی و حرود
زندگی کارگران و زحمتکشان و محدود کردن
آنها و بازرس رؤس پاره ای امتیازات اقتصادی
که توده ها در اوز بهم ریشنی اوضاع پراز
قیام بهمین به چنگ آورده بودند شکل میگردد.
اینگونه امتیازات از قبیل برایای مالی و تسهیل
ساعات کار در کارخانجات و کسب حق استفاده
از بری و آب در محلات بود و است - رژیم
اینگونه تشریفات را در مجموعه برنامه ای خود
بهت راه اندزی برخیهای اقتصاد و صنایع -
کشور انجام میداد که بهت خصلت ارتجاعی
بهت کراتیل آن بهت عرجه خانه حرا با تشر
کردن زندگی کارگران و زحمتکشان تمام میشود

برایای مالی کارگران را اوقات فراغت آنها را
کاهش میدادند تا صنایع سود آور شوند، بهت
نواحی زندگی زحمتکشان را قطع میکند تا بهت
صف خود در ناحیه انرزی صنایع و موسسات
دولتی بهت برده گردد. سوم، این حرکات خصلت
رشد یابنده دانش و در پاره ای موارد مقابله
و تبهایی پیروزیند (بهتورت مقنن) بود -
اند. چهارم، حدت عمومی این حرکات
حود بهت در بودن آنهاست. این حرکات -
ناقد هدایت کننده آن برنامه تشریح -
ناکند، شمار و سازماندهی معینی است و
بود. تمامی آنها بهت حود بهت از آغاز -
تردی و توده ها با استفاده از تجربه عملی
مبارزاتی حود و بعضاً اتحاد تاکتیکی
نازه و از جمله را بندان نامر آنها و مناطق
پر رشت و آند و بهت اعتبار دست زده و آنرا
کسرتش داده و نسب بهت رساندن حبر آن -
سایر نقاط تلاش نموده اند. عیدیک از سازمان
های سیاسی نفس نایسته ای در این حرکات
نداشته اند. پنجم و خصوصیت که ایس
حرکات را از تمامی حرکات توده ای پیش از
قیام ۵۷ و دو برآند انقلابی بعد از آن -
مشایز میکند نفس درجه اول و تمام طبقه
◀ ▶

مورگ بر رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی

افسریه و مقاومت

کارگر در آن است. این زمان این کارگران در کارخانه‌جات صنعتی و در محلات زحمتکشان شد که آغازگر و ادامه دهنده همان مقاومت انقلاب در میان تمامی لایه‌ها و طبقا اجتماعا می‌باشند و رایحه حرکات اعتراضی در محلات یا تارخانه‌جات و محلات محل زندگی کارگران - بودن این محلات و شایسته توجه بسیار است. این خصم‌ها در مجموع نشانند و مقاومت کسریس یابند و توده‌ها در مقابل تعرض رژیم فاشیست فوجاست. تعرضی که در جهت پیشبرد برنامه رژیم بود و جهت آن و همانطور که در شماره گذشته در بحث مربوط به مجلس خبرگان توضیح داده‌ام، راه اندازی اقتصاد و منابع بشیوه ارتجاعی - بوروکراتیک است. رژیم ضد انقلابی جمهوری استی که بعد از شکست شدن موقعیت انقلابی بهمین ۵۷ قدرت را از کف انقلاب برود و بلحاظ قدرت سیاسی انقلاب را با شکست مواجهه نموده جهت پیشبرد برنامه خود پیوسته با مقاومت انقلاب روبرو و درگیر بوده است. در مقابل با برآمد انقلاب در بهار سال ۶۰ و بدلیل ابعاد توده‌ای این برآمد که موقعیت خطیری را برای بقای رژیم بوجود آورد میبود و تمامی اراده و سازمان آن جهت سرکوب -

حس و نظم بکار گرفته ندهد. در آنرا این تعرض رژیم به انقلاب بدین توازن مشخص نیرو و یکپارچگی نسبی حکومتگران بخش‌هایی از نیروی سازمان یافته انقلاب و بصورت سازمان‌های سیاسی و تحس ضربات و خسارات عظیمی شدند که در این رابطه اتخاذ تاکتیک‌های انحرافی از جانب نیروهای سیاسی و مشخصا سازمان مجاهدین و بی تاثیر نبود و به سه صریح دیدن این نیروها جبر گردید. اما این تعرض رژیم قادر به سرکوب مقاومت توده‌ها و مشخصا طبقه کارگران نبود بلکه حرکات توده‌ای را به محاصره و محدودیت کشانید. در مقطع کنونی که رژیم در جهت پیشبرد برنامه سازمان دادن به زندگی اجتماعی - جامعه و در ادامه تعرضات قبلی خود و دست بکار تعرضات وسیع‌تر و تازه به زندگی کارگران و زحمتکشان گردیده و مواجه با مقاومت توده‌ها با تمامی آن خصوصیات که برشمرده‌ام گردیده است. این اساس تفاوت با آن درک‌های نتایج و رانشته از اوضاع است که موقعیت را اختلال انقلابی یا حتی شکل‌گیری برآمد جدید از پائینی می‌نماید. اما این وضعیت از سوی دیدن بیخفت جوهر مقابله جوانان آن و برنامه رژیم در جهت سازمان دادن زندگی و ایجاد نظم و تعادل تازه طبقاتی در -

جامعه و در ستمیکه رژیم یکنوز قادر به اعمال آن نشده و مسئله قدرت نهیالیس موضوع روز بوده و ما میباشند، خسلت رژیم سیاسی مقابله بوده ای با رژیم ضد انقلابی را بنمایش میگذارد. مقابله ای که منطوق و متمرکز بر چهار جنبه نظام سیاسی است چرا که در تقابل با برنامه این رژیم برای نظم بخشیدن به جامعه صورت میگیرد و لاجرم قایل تحمیل در چهار چوب نظام سیاسی نمیباشد. مگر به آنکه این حرکات بر اساس - خواستههای مشخص اقتصادی و صنفی شکل میگیرند. در چنین اوضاع و احوالی نه تنها آن روشنفکران برج عاج نشین که اساس تشکیل دهنده این رژیمند و انگیزشهای انقلابی در آنهاست موجب روز را شب دیدن و تاریکی را بر جهان مسلط دانستن میدرد و به نتیجه گیری دوره رکود میرسند.

در موقعیتی که رژیم پیش از سر زمان لرزان بوده و در آرایش نیروهای درونی خود دچار موانع و مشکلات بزرگی گردیده (در این رابطه قایل ذکر است که مجلس خبرگان بحلت پیش نرفتن کار آن دچار تعطیلی نامحدود گردید و مسولیت اداره سه وزارتخانه بحلت عدم توافق بر سر وزرای آنها به عهده نخست وزیر نهاده شد) و مقاومت گسترش یافته و انقلاب افساد دیگری پیدا میکند. این مقاومت اگر با سازمان یافتگی و رهبری شایسته انقلابی توأم گردند

نه تنها به اعتقاد ما که بصورت خود پدید می آید، هم قادر به تبدیل آست و دست یافته است. بحلت تعرض انقلابی و قطعی به نیولای فاشیسم ضجر شده و توان سرنگونی اعلای رژیم و روی کار آوردن حکومت شورائی را دارا میباشد. این است آن خصوصیتی که مسولیت و وندیه ما بعنوان نماینده راسترین طبقه کارگر، صبهه ای که اکنون در رأس مقاومت انقلابی توده ای است و را با سنگین و برجسته بیبرار امر زمانی مطرح میسازد. مسیلتی که باید از طریق گسترش، غرچه بیشتر میزند با طیف و توده ها و کانال اجرائی شود در جهت رفع نقاط ضعف مقاومت انقلاب را بیاید.

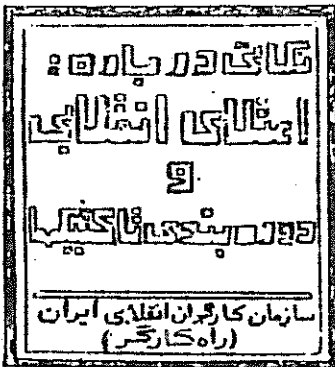
خواستههای توده ای را رشد داده و دوره میر تاریخی آنها قرار داد. نشان دهد که مبارزه با فلاکت زندگی توده ها جز با حکومت شورائی امکان پذیر نیست. خسلت پراکندگی مقاومت را به یکپارگی و ادامه کاری بدل نماید. خود بخودی در حرکات اعتراضی را به سازمان یافتگی توأم با تاکتیکهای مناسب تبدیل ید کرده، از برگشت به گذشته روحیه ارتجاعی که در روانشناسی حرکات خود بخوکی توده ای پیش میاید جلوگیری کند. چرا که توده ها زمانی که در تنگنای عظیم و فلاکت بی مهار



رژم سلطنتی و امیرالیسیم مشتمل است و بنظر
بر این فرصتی برای آنها در جهت قدرت گیری
و یا کمک به ثبات رژیم فقها باقی نمی ماند.
تمامی این وظایف و نظایر آن فعلی است
نخواهد پذیرفت مگر آنکه ارتباط سازمانی به
سورت ارتانیک و زنده با طبقه کارگر و توده ها
در محیط کار و زندگی آنها، در جهت ارتقاء
بخواستها و مبارزات آنها به سطح برنامه
پرولتاریا برای این مرحله انقلاب یعنی برنامه
ست لیری سوسیالیستی و حکومت شورائی و
لاجرم تامین رعبری طبقه کارگر در مسیر پیروزی
انقلاب حاصل شود. این مسیری استفاگرسیر
که جز این طریق قادر به سازمان دادن حرکات
یکپارچه توده ای و بوجود آوردن اراده ای -
ملی در جهت سرنگونی رژیم فاشیستی جمهوری
اسلام نخواهیم شد. ❁

افسریه و مقابله
قرار میگیرند بطور خود بخودی زمینه مناسبی
براء زنده شدن و از گور بیرون آمدن نمیش
گفته های غمباری که در مقایسه با وضعیت
امروزشان قابل تحمل تر بوده، را فراموش
می آورند. به عبارتی دیگر سیاسی های گذشته
در مقابل سیاسی پرنشدتر امروزین رنگ میبازند
و حتی لحظاتی خوبی از گذشته زنده میگردند.
حتی فراموش میکنند که در زندگی نکتتبار
گذشتگان سیاسی ما موجود بوده و سیاسی
سنگین امروزین ادامه همان وضع با شدت و
ابعاد بزرگتر است. در این رابطه در همین
حزب انصریه شعارهایی، سرچند محدود
که خیلی زود کتر و محور گردیدند، داد -
پر رجعت به گذشته ای که "برق و آب" داشته
اند داده شده. کوی توده ها فراموش -
میکند که مسئله کمبود انرژی و برق یکی از
مسائل مهم و از تنگنای اصلی رژیم منفر
شاه در دو سال آخر حکومتش بود، خاموشی -
سای طولانی و رکودی که در اثر مسئله انرژی
در سال ۵۶ ولوله ای درین رژیم شاه پیدا
کرده بود. مقابله با این روحیه ارتجاعی
از وظایف راست سرچند که در مجموع هنوز
کینه خد سرطبقاتی در دل کارگران و زحمت
کشان میهن عزیز ما بر علیه بورژوازی انحصاری

منتشر شد.



اخبار جنبی

توضیح : درباره نحوه ارائه اخبار در این نشریه و اساسا در مورد درکی که مال وظایف این صفحه داریم توضیحاتی را بنظر خوانندگان می‌رسانیم . " ریگای گریکار " بدلت باشان به بودن انتشار آن وجود رسانه‌های متعدد در سطح جنبی جهت انتشار اخبار نمیتواند صفحه اخبار خود را محدود کند . اخبار روز جنبی نباید . لذا مناسبترین وظیفه آن درج و انتشار اخباری است که در جای دیگری امکان انتشار نداشته اند و ثانيا بررسی و تحلیل اخبار و گزارشات منتشر شده یا نشده ، میباشد . تا از این طریق بتواند در جهت پیش برد وظایف اساسی نشریه ، با برخورد های تحلیلی با اخبار و گزارشات ، نقض خود را ایفا نماید . درج گزارشهای خبری خوانندگان که جنبه و شکل تحلیلی داشته باشند نیز در این صفحات جای میگیرد .

نگاهی به رزیداد های مرداد ماه جنبی در شهر سقز

پسری که باعث وحشت رژیم جمهوری اسلامی گردیده و بخاطر آرمانش شهید شده جایز نمیباشد .

① - ۱۳/۵/۶۲ ، رژیم در ایشروز بدنیال اقدامات سر روزه اش در سرکوب زحمتکشان به اقدامات سیمانه جدیدی دست زد . در این روز با حمله به بساط دستفروشیها و دکه داران ، با فشار آنها را وادار به جمع آوری بساط و دکه ساختان نمودند .

در این روز همچنین لاریهای متعلق به

② - ۱۳/۵/۶۲ ، در این روز ۲۰ نفر از زندانیان سیاسی اسیر در چنگال رژیم فاشیستی

به جوخه اعدام سپرده شدند و به کاروان شهدای یغون خفته خلق پیوستند . نام دو تن از این شهدا علی قادرزاده و عثمان سبحانی اعلام گردیده است .

در هنگام تحویل لباسهای شهدا به خانواده ها ، پاسداران به پدر یکی از شهدا میگویند لباسها را بگیر و گریه کن که با جواب دندان شکنی از جانب پدر شهید روز میگردند . پدر میگوید گریه کردن برای



امید واهی دلی خوش میباشند که پیشترگان قهرمان را از دن محلات که امر خانه آن به عنوان شکر ~~تاریخ~~ آنان علیهمسکند بیرون نمایند؛ در این خیماره بارانهای رزم محله های کنار شهر بیشتر مورد امانت قرار گرفتند و خانه یک خیاط زن متکس نیز در اثر تلسرله خیماره آسیب دید که خود و خانواده امر نیز مجروح گردیدند.

(۲) - ۲۲/۵/۱۲۲ : حدود ساعت ۳ بعد از ظهر سه یا چهار سرمایه توسط افسر ناز جنگی که بوسیله یک نوجوان بسوی آنان پرتاب شده بود مجروح و کشته شدند.

مردم محل جهت پیشگیری از راکت ها در منزلت رزمی که بارها شاهد آن بوده اند شایع کردند که آنچه جز در اثر تارنبط خود یا سدل ران صورت گرفته است رزم متعاقب آن دست به واگش شدیدی زده تعدادی از اغانی محل را دستگیر کرده و تمام بازار را بسته و علاوه حکومت نظامی برقرار نمودن مزدوران مسلح بالای یشت یا مه های بلند سنکر گرفته و سعی در ارتعاب و ایجاد وحشت در میان مردم کردند.

(۳) - ۲۲/۵/۱۲۲ : در نیمه مای این شب سیاه برای دومین بار در یک ماه خلق رز شده و مبارز سقز یا یک امدام جمعی از زندانیان

محروم ترین مردم شهر (کاری چی نا) را بعد از جمع آوری در محله "قازاخانه" (قبلا به آنها اعلام کردند که ممکن در میدان جهت انجام کاری جمع شوند) با گرد در دستم تکتست و نابود کردند. تاشیستها در اثر این عمل با واگشهای مختلف و تند ایمن زمینکنان مواجه گردیدند. یکی از آنها فریاد میکرد از این زبان به بعد سرکجای شهر سرفتی انجام گرفت بدانید کار من است درین ۶ سرعائله دارم و باید آنها را سیس کسم.

(۴) - ۱۲/۵/۸۵ : در این روز بیشتر زندانیان سیاسی سقز را به تهران منتقل کردند. رزم برای انجام این انتقال بجات تمسدا زیاد زندانیان نا را به استفاده از اتوبوس های مسافری شده بود که موجب به تاخیر انتادن مسافرت تعداد زیادی از مسافران گردید. این عمل به خشم و نعرت مردم دامن زده است.

(۵) - ۱۲/۵/۱۲۲ : شب هنگام شهر شام درگیری و ضربه قهرمانانه پیشترگان بمزدوران مسلح رزم تاشیستی نقبا بود. مزدوران تسایین دندان مسلح رزم عاجز از پیشگیری ضریات مرگبار پیشترگان سرمایه کشته و خون همیشه نقاط و محلات شهر را با تسوی و خیماره از یادگان کوبیدند. تاشیستها باین

اخبار جنبش . . .

سیاسی خود روبرو شدند. تعداد این شهدا خلق به ۱۷ تن میرسد که اساس تعداد از آنها به قرار زیر است:

• مسرداب کریمان، معروف کبیرتید رشود، منصور محمدی، کریمی و شعله ابراهیمی، جلس، وحید واحدی، احمد حاجی کریم، بهشتی.

به دنبال این اعدام و حشانه از سوی فاشیستها، روحیه اعتراضی و خشم تپاسی مردم را فرا گرفت. نردای این واقعه زنان زیادی جلوی سپاه پاسداران سرمایه جوع گردیدند. شدت گریه و زاری در این محله

حدی بود که عده ای از آنها به زودی از حان رفته و دچار شوکهای روحی شدند. یک دختر با یک حرکت ناکهانی قسمتی از موهای سر خود را کنده و پوست سرش نمایان گردید. یک پیر مرد خود را با یک ترم جروح نمود و یک زن در حالیکه میگرفت بسا فریاد میگفت آخر این لامذ سبها کی گورشان را کم میکنند و تمام جوانان را کشتند، کسی باقی نمانده است و مردم چرا قبول میکنند در اتر این عس و حشانه رژیم غم و خشم همه جا را فرا گرفته بود و خیابانها خلوت بنگر میرسیدند.

مردم مبارز دستگیر!

با عملیات اعتراضی خود اعدامهای و حشانه رژیم فاشیستی نظامی را محکم و پیاپی میدان انقلاب و مکرراتیک توده ای ایران را گرامی بدارم. فد - سازمان کارگران انقلابی ایران - سقر
استقلال، آزادی، حکومت شورائی

در این رابطه رفقای سقر تراکنی در سطح شهر یخور. نمودند که متن آنها در این قسمت ملاحظه میکنید

پاروز شهر پیرداختند. در مردم تعداد دستگیرها نظرات بیشتر ابراز تعدادات

۱۰/۵/۶۲، بین ساعات ۵/۵ ابعاد از نیمه شب تا ۲ صبح پاسداران سرمایه به دستگیری گسترده ای در میان زنان و دختران



مسئله یعنی تحویل محدود آرد را مستقیماً با مردم در میان ندارد و مسولیت دولت را در این باره مطرح نمی‌کند. ناگفته نماند که عجم آوارگان جنگی فراوان شهر باند که برای گریز از عداوت نازی از چند رژیم فقها با عراق به سقر کج کرد و اندک در این مورد - بی تاثیر نمی باشد.

که حداقل آن ۱۸ نفر می‌باشد که در میان ایشان سه زن مبارز همراه کودکان خردسالانج - مشاهده میشوند. انعکاس خبر دستگیری و این هده در میان مردم شهر موجب خشم و نفرت گردید و همه نسبت به این عمل خصوصاً دستگیری سه مادر همراه کودکانشان ابراز انزجار می‌نمایند.

۱۵/۵/۶۲ ، بدنیاں درگیرهای

شکفته که "وک" که اخبار آن بطور گسترده در شهر اندکس داشته است، مزدوران رژیم بجا آورگان مردم منطقه جنازه می‌شمران مهید را به روستای امیرات شهر ه جنازه به روستای آجی و ۴ جنازه به روستای قشلاق منتقل و بصر و حنیانیه ای جلوی مساجد روستاها انداخته و نسبت به آنان توپین را داشته است. برتم این روستا با خشم و نفرت فراوان - نسبت به رژیم جنازه های در زندان دلاور خود را جمع آوری و دین نمودند. جنازه های شهر با انعکاس خبر در شهر در باره آن تبلیغ - می نمودند.

وضع تهیه ارزای خصوصاً نان در شهر نسبت به گذشته سخت تر گردیده است. این موضوع ناشی از تحویل محدود و کم آرد به ۱۲ خانواده اصلی شهر می‌باشد. بطوریکه برای تهیه چند عدد نان ساعتها باید در صف نانواینها منتظر ماند. نانرا با علت این

بررسی رویدادها و برای آنکه دستمای مناسبی از برخورد با این رویدادها و حوادث مشابه در شهرهای دیگر کردستان داشته باشیم که راه مبارزه را با رژیم فاشیستی و اقله های سرزنش آن را روشن تر نماید و نیاز به بررسی همه جانبه آنها و یافتن نقاط ضعف و قوت دشمن و نیروهای خود را داریم.

رژیم، همانطور که از این رویدادها بخوبی متنبه است و در حد توانیم دسترس برای سرانجام مقاومت توده ای و بی - آبردن - مواضع دید در مقابل توده - ناست. این برنامه که در سرکوبی سراسری رژیم نیز تعقیب میشوند در کردستان بیعت موقعیت خاص - "قدرت دوگانه" آن معنی ویژه ای دارد و آن چرخاندن قطعی ترازن نیرو بیخ خود و لاجرم شکستن موقعیت انقلابی در کردستان قهرمان است. رژیم این خط را در تاپسل و



تساجم گسترده به مناطق آزاد نیز با سرعت
 ایجاد می سابقه بین میگردید خصوصیت حرکت
 رژیم در کردستان در این وضعیت تعیین شده
 ایجاد عظیم زمین مبارک سرکوب توده ای است
 که با داشتن خصیصه اوجاب در جهت همان
 برنامه رژیم عمل میکند اما این خصیصه حرکت
 رژیم که اخیرا ایجاد می گسترده ای پیدا
 نموده و از یکسو ناشی از وجود عقاب و متحد
 می گسترده در مقابل آن یعنی حالیت دو
 گانه است و از سوی دیگر بعقل همین تفاوت
 توده های گسترده و در مقابل با حاکم مسلط آن
 یعنی نیروی پیشرفته از گریگاری لایم برخوردار
 است تا این لحظه از مبارزه این بهترین
 نقطه قوت جنبش و یا ششم آسبل رژیم نامشخص
 قضا بود و است همان نقطه قوتی که اگر
 جنبش سراسری نیز از آن برخوردار بود امروز
 صحنه سیاسی ایران رنگ دیگری داشت
 این سرکوب و اوجاب برای مدت سیاسی آن
 که تمامی لایه های خلق را قانع میگردند در
 ایجاد و تنظیم برنامه رژیم برای راه اندازی
 انحصار و احتیاج بر طبقه کارگر و توده
 فلاکت زد و ترین لایه های زحمتکش جامعه
 یعنی توده ها حاشیه تولید اند که در و تاریخی
 و غیره نیز می آید فشار توده ها حاشیه
 تولید و برآورده نکردن خواسته های آنها
 موضوعی است که در سراسر ایران به وضع

شاهد می شود و این نشانگر آن است که
 این توده ها که به آرزوی برتری و برتری
 فکشان قانع نیست بودند و این عقابیت در افکار
 با آنها و نیز آمدن جوی برنامه بر رزیم
 برای این مرحله از انقلاب را دارند و وظیفه
 ماست که با درک درست این وضعیت و گد
 آمدن توده ها حاشیه تولید و در این برنامه
 تاریخی شان یعنی بر رزیم را کنار بیاوریم
 بورسی این رویه را از راه دیگر نشان
 دهند و این است که توده ها در مقابل
 سرکوب رژیم از جوان مبارزان پارتی برخوردار
 هستند و در این جهت مبارزات به حرکت
 خود انگیزه نیز نموده اند این حرکت
 خود بخودی از تمام خصوصیات و خصیصه های
 سازمان نیافتگی برخوردارند خود آزاری و
 خود زنی که در چند مورد دیده شده
 نشاید باشد هیچ غشم و نفرتی است که به علت
 عدم حضور عنصر آگاه برای جهت دادن و
 پیشرویی این خشم و نفرت در تانال صحیح
 مبارزاتی و در چنین اشکال انحرافی تبدیل
 میشود همانند شبهه ا و زندانیان سیاسی
 که می توانند جهت مقابل با فشار رژیم
 زندانیان و جوانی که از اعدای و دشمنان
 سازمان یافته و حرکات مؤثری انجام داده
 اند تنها بخوبی هدایت نشده اند بلکه در
 بقیه در صحنه ۲۶

نگاهی به بیانیه اخیر گومله و اتحاد مبارز گومنیست

اخیرا بیانیه ای از طرف گومه له و اتحاد مبارزان گومنیست برای اعلام مواضعشان بجهت بود سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران و سازمان با سادرتده است. هرچند این بیانیه در رابطه با انحرافات ایدئولوژیک سیاسی ایسی جریان جاری نگاشته جدیدی نیست اما معینت که خصوصیات خاصی جریانهای از این دست و روشی به حوزه های تخصصی دارند میزنند و انحرافاتشان که تاکنون در پرتوئی کلی گویی و جمله برد از برای مطلق مستور بود و غریبان شده و برخورد مشخصی با آن امکان پذیرتر میگردد. هدف ما در اینجا اعلام مواضعمان در باره این جریان نیست و چرا که در گذشته مواضع خود را در باره شان اراکده دادیم و دو آینه شده نیز به برخورد در این زمینه ادامه خواهیم داد. بلکه بیشتر به انحرافات ای که در این بیانیه خود را نشان داده و انحرافات گمراه کننده تلاقی میگردد که آنها را پرده پوشی

بها ۵ ریال

افسردگی و مقاومت گسترش یابنده انقلاب

اوانل تابستان تهران شاهد حرکت اعتراضی پهنی از توده های زحمتکش و فلاکت زده معین ما در منطقه افسرده برد این حرکت آندونی که بعضی ها فکر میکنند غرنی رسد در آسان بی ابر تهران نبودن این حرکت حلقه ای از حلقات زنجیره ای مقاومت نمودن های نگه در - نیمه دوم سال ۶۱ جلوه خاصی پیدا کرده بود. به حساب بی آید زنجیری از مقاومت انقلابی که برجستگی حرکت خود را در دل کارخانجات یا حرکات اعتراضی و اعتصابی طبقه کارگر تهرانی ایران عیان کرده و در محلات مختلف کارگری و مناطق زندگی زحمتکشان همون شاهد تیره قلمه حسن خان را - و تمام خود را برود داده و بعد از افسرده در تاز آباد و دروازه فار و مواد به گسترش خود را بد نشان میدهد. این مجموعه در بستر دوران انقلابی که میبین ما در آن بسر میرد و زندگی ما و خصوصیات سیاسی دارد که بدون بررسی دقیق آنها - بیوشی و اتمی این حرکات روشن نگشود و لاجرم

پیش به نسوی تشکیل حزب طبقه کارگر!